

واکنش ها به تخریب بقاع بقیع

سیدعلی قاضی عسکر*

پیکیده

موضوع تخریب شهر مدینه با شلیک توپخانه و گلوله باران آن، به دست وهابیان در تاریخ ۱۸۹۰ میلادی واکنش علمای شیعه و تشکیل کمیسیون ویژه مجلس شورای ملی ایران در مورد این فاجعه و اجتماع اعتراضی علما و گروههای مختلف مردم تهران در مسجد جامع و اعلام تعطیل عمومی و تعطیلی دروس و نماز جماعت حضرات آیات مرحومان: اصفهانی و نائینی در نجف اشرف و انعکاس خبر آن به دیگر کشورها به وسیله کمک کنسول ایران در نجف، و بالاخره رسیدن خبر تخریبها به هندوستان و تعدادی از کشورها، پایتخت ها و شهرهای مهم و واکنش جدی مسلمانان و موج عظیم اعتراض ها و دستور وزارت امور خارجه به غفارخان جلال السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، مبنی بر پی گیری این رخداد و... موضوع این نوشته را تشکیل می دهد.

کلید واژه ها: وهابی ها، بمباران مدینه، تخریب مدینه، واکنشها به تخریب .

*. سطح چهار حوزه علمیه، نماینده پیشین ولی فقیه در امور حج و زیارت و عضو شورای سیاستگذاری ائمه جمعه seyedali_ghaziaskar@yahoo.com

بمباران^۱ مدینه

در تاریخ سوم شهریور ۱۳۰۴ ش. روزنامه ایران به نقل از بی سیم برلن خبر می دهد که وهابی ها شهر مدینه را بمباران کرده و به مسجدی که مقبره حضرت محمد ﷺ در آن واقع است خسارات سنگین زده اند (روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۰، ص ۲).

دو روز بعد در تاریخ پنجم شهریور خبرگزاری رویترا اعلام می کند که از منابع موثقه اطلاع حاصل شده است که وهابی ها به سمت مدینه حمله ور شده اند... بمباردمان شروع شده و در نتیجه خرابی های بسیاری وارد آمده، گنبد مسجد بزرگی که مدفن حضرت رسول ﷺ است آسیب دیده و مسجد حمزه عم حضرت پیغمبر خراب شده است (روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۱، ص ۱).

با انعکاس خبر، نگرانی بسیاری در میان علما و شیعیان به وجود می آید. در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۰۴ آیت الله شیخ جمال الدین نجفی اصفهانی حاج آقا جمال اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۵۴) برادر آیات آقای نجفی اصفهانی و آقا نورالله اصفهانی بود، وی درس آموزی علوم دینی را نزد پدر و برادرش آغاز کرد و سپس در حوزه علمیه نجف اشرف کامل نمود. پس از حضور آیات شهید نجف در نهضت مشروطه، آقا جمال نیز به طرفداری از این نهضت رو آورد وی پس از سقوط اصفهان به دست روس ها به تهران آمد و رفته رفته در شمار علمای درجه یک تهران قرار گرفت. آقا جمال در مسجد سیدعزیزالله بازار تهران حوزه درس داشت، آقا جمال را در عداد یاران سیاسی آیت الله سیدحسن مدرس دانسته اند که در مواقف گوناگون به مخالفت با اقدامات رضاخان پرداخت. در پی درگذشت آقا جمال شایعه مرگ او به دست عوامل رضاخان مطرح شد. پیکرش با تشییع با شکوه در تخت فولاد اصفهان دفن گردید (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۲۸۴).

۱. استفاده مکرر از کلمه «بمباران» در متن این نوشته، به جهت به کار رفتن این واژه در اسناد تخریب بقیع است و روشن است که آن تخریبها به وسیله شلیک توپ و گلوله باران بوده، نه بمباران!

از علمای اصفهانی ساکن تهران به وزارت امور خارجه نامه می‌نویسد (کلیشه در صفحه ۲۸۳ روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵) و به شدت اظهار نگرانی می‌کند متن نامه به این شرح است: به عرض عالی می‌رساند: همواره سلامتی و موفقیت کامله حضرت اجل عالی را در اعلائی کلمه حقّه الهیّه و استحکام مبانی استقلال مملکت ایمانیه مسئلت نموده و می‌نمایم ضمناً مصرع می‌شود که مسموع می‌شود، خدای نخواستہ مدینه منوره [را] گلوله باران نموده و اطراف مرقد مطهر اعلی حضرت خاتم النبیین علیه آلاف الصلاة و سلام المصلّین خرابی و اهانت وارد آورده‌اند این مصیبت عظمی قابل تحمل برای مسلمین نیست، خاصه برای دولت علیه ایران و امانت محترم آن دولت علیه، همه مسلمین انتظار اهتمامات کامله آن دولت علیه را در این باب دارند و انتظار دارم از اهتمامات کامله و اقدامات مجدّدانه خودتان احقر را مسبوق فرمایید و الاً موجب هیجان مسلمین و انقلاب خواهد شد و چنانچه این مرحله کذب است امر و مقرر فرموده فوراً در جرائد کذب او را انتشار و اشاعه دهند زیاده موجب تصدیع است (اسناد وزارت امور خارجه، ۵۵-۱-۳۰-۱۳۰۴؛ روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۲۸۴).

آیت‌الله مدرس نیز صبح روز پنج‌شنبه ۵ شهریور ۱۳۰۴ با توجه به اینکه وی نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود، پس از باخبر شدن از بمباران مدینه توسط وهابی‌ها با هدف پیگیری موضوع به دیدار رضاخان می‌رود. پس از آن دیدار ایشان می‌گوید:

بنده صبح خدمت آقای رئیس‌الوزراء بودم، این مسئله را که در روزنامه‌ها [چاپ شده بود]... اهمیت دادند فرمودند که به فوریت در صدد تحقیق بر می‌آیم که بینم واقعیت آن چیست و البته باید خیلی اهمیت داده شود البته حالا که در صدد تحقیق بر می‌آیند حقیقت بهتر کشف می‌شود (مدرس و پنج دوره تقنیّه، ج ۲، ص ۱۸۹).

رضاخان نیز در همان روز در مجلس شورای ملی حاضر شد و خبر چاپ شده در روزنامه‌ها را برای نمایندگان خواند و پیشنهاد کرد:

«در این موقع اگر صلاح بدانند از طرف مجلس کمیسیونی تشکیل شود که با موافقت نظر دولت بر این کار رسیدگی کنند.» (همان، ص ۱۹۰).

به دنبال آن وزارت امور خارجه با ارسال تلگرام‌هایی به سفارتخانه‌های خود در قاهره، لندن و شام، با اشاره به خبر خبرگزاری رویتر از بمباران مدینه توسط وهابی‌ها، خواست صحت و سقم خبر و تفصیل [آن] را فوراً تلگراف کنند (اسناد وزارت امور خارجه، ۵۲-۱-۳۰-۱۳۰۴).

مرحوم آیت‌الله مدرس صبح روز دهم صفر ۱۳۴۴ق سخنان مهمی نیز در مجلس شورای ملی ایراد و سخن خود را با این پرسش آغاز کرد که ماهیت یک قوم و ملت به چیست؟ سپس خود در پاسخ گفت:

قومیت یک قوم و ملیت یک ملت وابسته به «جامع» آن است، وی به نقش «جامع»، «میان‌دار» و «رهبر» قوم پرداخت و گفت بدون آن، افراد و گروه‌های یک ملت «کالجدار المنشعب» هستند.

ترقی و تعالی هر قومی به این خواهد بود که جامع میان خودشان را نگاهداری کنند و به واسطه ترقی آن، جامعه ترقی کند سپس ایشان جامع ایران و دیگر ممالک مسلمان را اسلام دانست و گفت: امروز بهترین زمان برای برداشتن این پرچم است (روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۴، ص ۱ و ۲).

عصر همان روز نیز گروهی از علما در مسجد مروی تهران گرد هم آمدند و به همراه شمار زیادی از تجار و اصناف و طبقات مختلف مردم به سخنان آیت‌الله سیدحسن مدرس گوش کردند، مطالب ایراد شده توسط ایشان در باره رفتار وهابیان در سرزمین حجاز بود، وی اعلام کرد که اخبار رسیده هنوز توسط مراجع رسمی تایید نشده است و با اینکه قرار بود روز سه‌شنبه در اعتراض به اقدام وهابیان، همه تجار و اصناف دست از کار بکشند و تعطیل عمومی اعلام شود ما فعلاً دست از این کار کشیده، منتظر می‌مانیم.

پس از سخنان آقای مدرس آقای شیخ علی اصفهانی که چندی است وارد تهران شده به منبر رفت و به همین مناسبت سخن‌راند. یکشنبه شب نیز علمای تهران در خانه امام جمعه خوبی گرد آمدند و درباره خبر تهاجم وهابیان به اماکن متبرکه حجاز مشورت کردند (همان، ص ۳).

روزنامه قانون هم خبر داد که عصر روز یکشنبه جمعیت زیادی در مسجد جامع گرد هم آمدند و به سخنان سیدعلی شوشتری در محکومیت اقدام وهابیان گوش دادند (روزنامه قانون، سال چهارم، ش ۴۷، ص ۲).

روزنامه قانون در شماره ۴۶ خود روز یکشنبه ۸ شهریور در صفحه اول با حروفی متفاوت نوشت:

جنایت فجیعی که به دست وهابی‌ها این ایام به عالم اسلام وارد آمده، روح مؤسس شریعت مطهره را دردناک و قلوب مسلمین را مجروح می‌کند. این دومین ضربت هولناکی است که دست جنایت بار این فرقه وحشی به پیکر اسلام وارد آورده و دومین لکه سیاهی است که در تاریخ سعیت وهابی‌ها، ثبت می‌شود. ما با قلبی جراحی آلود و چشمی خون‌بار احساسات غم‌انگیز خود را در مقابل عالم اسلام ابراز و امیدواریم که دولت ایران و سایر دول معظمه اسلامی، قدم‌هایی برای سد این ثلمه برداشته و این جراحی وارده بر قلب اسلام را مداوا فرمایند (روزنامه قانون، سال چهارم، ش ۴۷).

هیئت علمای همدان نیز در همان روز با ارسال تلگرامی به مجلس شورای ملی با ابراز تأسف و دردمندی از اقدام وحشیانه وهابیان در حمله به اماکن مقدس مدینه خواست تلگرامی به مجمع اتفاق ملل فرستاده شود تا آن مجمع ضمن جلوگیری از ادامه جنایات وهابیان، مدینه منوره را از لوٹ و جود آنان پاک نماید.

هیئت علمای همدان نوشت: که اگر دولت اجازه دهد می‌توانند برای دفاع از حیثیت اسلام به سوی مدینه رفته، حتی جان خود را در این راه فدا نمایند، ثالثاً تقاضا داریم مجلس مقدس این روز مصیبت مسلمین را روز مخصوصی نام نهاده و این روز را یکی از بزرگترین روزهای عزاداری مسلمین قرار دهد (اسناد مجلس شورای اسلامی، سند ۵/۱۵۴/۴۱/۹۹).

«ویس کنسول» (=کمک کنسول) وقت ایران در نجف اشرف نیز خبرداد حجت الاسلام شیخ احمد کاشف الغطا از حجج الاسلامان نمره اول [عرب] به واسطه انتشار خبر هجوم وهابی‌ها به مدینه منوره، حوزه درس خود را تعطیل نموده و گویا به نماز جماعت هم حاضر نخواهد شد.

وی می‌افزاید: سایر علمای عرب نیز با وی هم‌آوا هستند و می‌خواهند تلگرام‌هایی به دول و مجامع اسلامی مخابره کنند گویا امروز یا فردا در مسجد هندی اجتماع عمومی بشود (اسناد وزارت امور خارجه، ۵۱-۱-۳۰-۱۳۰۴). «ویس کنسول» در نامه دیگری به وحشت ایجاد شده میان اهالی آن صفحات اشاره کرد و نوشت که در مجالس علما و روضه‌خوانی‌ها صحبت فقط از تهاجم وهابی‌ها به مدینه است «اهل این صفحات یقین کرده‌اند اگر وهابی‌ها مدینه را بگیرند آن وقت نوبه هجوم به عراق است» (روزنامه قانون، سال چهارم، شماره ۴۷، ص ۲).

غفارخان جلال السلطنه که به عنوان وزیر مختار ایران جدیداً وارد قاهره شده، خبر داد که با نماینده حجاز (نماینده حجاز قبل از سلطه سعودی‌ها بر عربستان) دیدار کرده و خبرهای ارسالی خبرگزاری‌های رویتربنی بر بمباران و تخریب اماکن مقدسه مدینه مورد تأیید اوست، می‌گفت: خانه تاریخی حضرت خدیجه و آمنه را در مکه معظمه کامل منهدم کرده‌اند. اگر مدینه را بگیرند مقبره حضرت را هم یقیناً منهدم خواهند کرد... (اسناد وزارت امور خارجه، ۵۱-۱-۳۰-۱۳۰۴).

با توجه به موج عظیم اعتراض‌ها در میان مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، وهابی‌ها با ترفند خاصی اخبار رسیده را تکذیب می‌کنند، البته آنها نسبت به تخریب قبور بقیع و نیز مزار احد سکوت کرده، و روی عدم تخریب بارگاه ملکوتی و گنبد سبز رسول الله ﷺ فقط تکیه می‌کنند در این زمینه «ویس کنسول» ایران در نجف چنین گزارش می‌دهد:

حکومت عراق (یعنی در حقیقت انگلیسی‌ها) اجازه داده است گروه‌هایی از وهابیان بین نجد و عراق، به بین‌النهرین آمده، آذوقه بخرند و با بعضی از محترمین عرب اهل نجف ملاقات نمایند، وی نوشت که وهابی‌ها، حوادث مدینه را تکذیب می‌کنند و برعکس شهرت می‌دهند. رفتار وهابی‌ها نسبت به عموم در کمال رأفت است و هیچ وقت اهانت و بی‌احترامی به مقامات مقدسه نخواهند کرد (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۶-۱-۳۰-۱۳۰۴).

تشکیل کمیسیون ویژه مجلس

روز سه‌شنبه دهم شهریور ۱۳۰۴ ش مصادف با ۱۲ صفر ۱۳۴۴ ق، مجلس شورای ملی به ریاست تدین نایب رئیس دوم مجلس تشکیل جلسه داده و در ابتدا موضوع تهاجم وهابیان به مدینه مورد بحث قرار می‌گیرد و با تایید آیت‌الله مدرس کمیسیونی ده نفره برای رسیدگی به این حادثه تشکیل می‌شود رضاخان نیز که در این مجلس حضور داشته اظهار می‌دارد که خبرهای رسیده از طرف مأموران ایران در شام و مصر، موضوع تهاجم وهابیان به مدینه را تا حدی تایید می‌کند ولی می‌گوید: مهاجمان هنوز نتوانسته‌اند مدینه را اشغال کنند لیکن کمیسیون ویژه لازم است تشکیل شود (روزنامه ایران، سال نهم، شماره ۱۸۹۶، ص ۱).

عصر روز سه‌شنبه نیز به دعوت علما، گروه‌های مختلف مردم تهران در مسجد جامع اجتماع می‌کنند و در آنجا اعلام می‌شود که روز شنبه بعد مصادف با شانزده صفر، تعطیل عمومی اعلام گردیده و اطلاعیه رضاخان در خصوص موافقت با تصمیم علما در تعطیلی روز یاد شده را قرائت می‌کنند (همان، ص ۳).

روز یازدهم اطلاعیه‌ای از سوی رضاخان خطاب به عموم حکام ایالات و ولایات و مأمورین دولتی منتشر و در آن ضمن اشاره به اسائه ادب طایفه وهابی به مدینه منوره و مسجد حضرت رسول ﷺ اظهار می‌دارد که دولت از شنیدن این خبر مشوش و در حال تکمیل اطلاعات است لیکن عجلتاً با توافق نظر آقایان حجج اسلام مرکز، تصمیم گرفته شده است که برای ابراز احساسات و عمل به سوگواری و تعزیه‌داری، یک روز در تمام مملکت تعطیل عمومی شود و رسماً روز شنبه ۱۴ شهریور برابر با شانزدهم صفر روز تعطیل و عزاداری اعلام می‌گردد (روزنامه ایران، سال نهم، شماره ۱۸۹۶، ص ۱).

«ویس کنسول» وقت ایران در نجف ضمن انعکاس تعطیلی دروس و نمازهای جماعت در نجف گزارش داده که دو حضرتین حجتین، آیات الله اصفهانی و نائینی راجع به هجوم وهابی‌ها به مدینه نامه‌ای به رضاخان نوشته‌اند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲-۱-۳۰-۱۳۰۴).

خبر تخریب‌ها به هندوستان می‌رسد و مسلمانان هند را به واکنش تند وا می‌دارد، نماینده سیاسی وقت ایران در هند در این باره چنین گزارش می‌دهد:

پس از نشر اخباری از اهانت وهابی‌ها به بارگاه حضرت رسول ﷺ تمام مسلمانان شهر بمبئی از شیعه و سنی، بیش از دویست هزار نفر به همراهی تمامی ایرانیان، در مساجد و مجامع مختلف جمع و ولوله و غوغایی بر پا شده است.

تمام [مردم] داککین و بازارهای خودشان را بسته و بعد در معابر و کوچه‌ها چند روز تظاهرات کردند. سپس می‌افزاید: اقدام وهابی‌ها در بین ۶۷ میلیون مسلمان هند اثر فوق‌العاده‌ای گذاشته و در بقیه شهرها هم تظاهراتی برپا است. در لکنهو که مهم‌ترین شهرهای مسلمانان هندوستان و محل اجتماعات علمای روحانی و مرکز اسلامی هند محسوب می‌شود، اجتماعات فوق‌العاده بر پا شده است سپس ادامه می‌دهد:

مجمع علمیه علمای لکنهو و مجلس عالیه کل مسلمانان هندوستان، با ارسال تلگرام‌هایی به کنسولگری ایران، از اینکه دولت ایران با تعطیل کردن و عزاداری به این اقدام واکنش نشان داده، تشکر کرده‌اند. (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۶-۱-۳۰-۱۳۰۴).

پاسخ وزارت امور خارجه به آیت‌الله نجفی اصفهانی

در تاریخ دوازده شهریور ۱۳۰۴ ش برابر با ۱۴ صفر ۱۳۴۴ ق وزارت امور خارجه در پاسخ به نامه آیت‌الله آقای حاج آقا جمال‌الدین نجفی اصفهانی، چنین می‌نویسد:

... تحقیق از مأموران ایران در لندن و مصر و شامات نشان می‌دهد که متأسفانه خبرهای یادشده درست است، سپس می‌افزاید: همه خاطرهای از وصول این اخبار متأثر و محزون است و به همه مأمورین ایران در خارجه، تلگرافاتی شده است که تألمات دولت و ملت ایران و اظهار تنفر از این رفتار وهابی‌ها را که در هتک حرمت مقامات مقدسه اسلامی شده است به اطلاع قاطبه مسلمین عالم برسانند (همان، صص ۵۶ و ۵۷).

مردم اردبیل نیز روز پنج‌شنبه ۱۲ شهریور بازارها و مغازه‌ها را تعطیل نموده، مشغول عزاداری می‌شوند، در خوی هم همه‌جا تعطیل شده و دسته‌جات سینه‌زنی با حالت خیلی پریشان به عزاداری مشغول‌اند (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۰۱۱۵۶).

«کپلی آموری» مستشار سفارت آمریکا در تهران نیز وقتی از شرایط کشور و اعتراضات گسترده علما و مردم آگاهی پیدا می‌کند با ارسال نامه‌ای به وزیر امور خارجه ایران، ضمن ابراز همدردی با دولت و ملت نوشت: بیرق این سفارت و قونسولگری آمریکا از طلوع آفتاب شنبه آینده الی غروب آفتاب پایین کشیده خواهد شد (اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۱-۳۰-۱۳۰۴).

علمای تبریز از جمله آیت‌الله ابوالحسن انگجی با ارسال تلگرامی به آیات عظام مقیم نجف آقایان ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین نائینی، شیرازی و فیروزآبادی، ضمن ابراز تأثر از واقعه فجیعۀ عظیمه در مدینه نوشتند که مسلمانان این خطه آماده هرگونه فداکاری هستند (همان، ص ۱۰۵).

سرهنگ علی‌قلی، حاکم نظامی شاهرود، در تلگرامی خیلی فوری به رضاخان می‌نویسد: علمای شاهرود خیال دارند تعطیلی روز شنبه ۱۶ صفر را تا تعیین تکلیف قطعی از طرف دولت ادامه دهند (اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، س ۱۳۰۴، پ ۷، ص ۳۳۶). وزارت جنگ نیز به حاکم نظامی شاهرود اطلاع می‌دهد که فقط روز شنبه تعطیل است و بس (همان، ص ۳۳۵).

گزارش تعطیلی روز شنبه

روزنامه ایران مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۰۴ گزارش داد:

بنابر اعلام قبلی، امروز همه مغازه‌ها، بازار، ادارات دولتی و حتی نانواپی‌ها در اعتراض به توهین و تخریب اماکن مقدسه مدینه توسط وهابی‌ها، تعطیل بودند گروه‌های مختلف مردم در مسجد سلطانی گرد آمدند، ابتدا حاج شیخ جواد عراقی و سپس میرزا عبدالله، به منبر رفته راجع به اقدام وهابیان سخن راندند و لزوم اتحاد دول اسلامی

را یاد آور شدند، محل تجمع بعدی مردم تهران، خارج دروازه دولت تعیین شده بود. مردم با بیرق سیاه و حال عزا به مسجد حاضر می شدند، آقای رئیس الوزراء هم قبل از ظهر به بازار تشریف آورده، پس از گردش مراجعت نمودند. روزنامه ایران در ادامه این خبر نوشت که گردهم آیی مردم بعد از ظهر در خارج دروازه دولت آباد بی نظیر بود و مشابه آن در تهران دیده نشده بود «شاید متجاوز از پنجاه هزار نفر جمعیت در یک نقطه اجتماع نموده بودند». در مراسم بعد از ظهر وزرای مختار کشورهای اسلامی نیز شرکت داشتند (روزنامه ایران، سال نهم، شماره ۱۸۹۹، ص ۲).

گزارش سفارت انگلیس

سفارت انگلیس در گزارشی از واکنش مسئولان و مردم تهران به خبر به توپ بسته شدن مسجد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوشت که هیجانات بسیار بر پا شده است. در مجلس هیأتی برای ارائه مشاوره به دولت در این موضوع تشکیل و تجمعات بزرگی در مساجد برپا شده است، در این گزارش آمده که به نظر می رسد مطبوعات عموماً طرفدار اعتراض به همه قدرت های مهم و فرا خواندن قدرت های مسلمان به تشکیل کنفرانسی در اسرع وقت برای ایجاد کنترل مشترک ملل مسلمان بر حجاز هستند. برخی روزنامه ها به گسترده گری مطرح کرده اند که این به توپ بستن در اثر تحریک بریتانیا رخ داده است، در واقع «ستاره ایران» در شماره پنجم سپتامبر خود عملاً اظهار می دارد که همه در دسرها در حجاز به خاطر تحریکات بریتانیا در گذشته و حال است، شنبه پنجم سپتامبر، در سراسر کشور عزای عمومی اعلام شد و صبح آن روز، ولیعهد، همه علمای برجسته، وزیر مختارهای افغانستان، مصر، و ترکیه و وزرای کابینه در مسجد شاه حاضر بودند، یک تجمع عمومی در خارج از شهر در عصر برگزار شد و نمایندگان روحانیون، مجلس و وزارت جنگ و شمار زیادی از طبقات پایین دست و متوسط، از جمله سربازان در آن شرکت جستند در خطابه هایی که آن روز خوانده شد، ۴۰۰/۰۰۰ مسلمان در سوگ نشسته بودند و این روز در مصر و افغانستان نیز روز عزا بود. دولت ایران

در صورت نیاز داوطلبان را اعزام خواهد داشت. رئیس مجلس خطاب به دیپلمات‌های خارجی گفت: ممکن است شما بخواهید با مسلمانان هم دردی نشان دهید، اما مسلمانان هر چه لازم باشد، خودشان انجام خواهند داد (FoE5914/82/34).

تعطیلی سراسر مملکت

گزارش‌های رسیده از شهرهای اصفهان، کرمانشاه، اراک، تبریز، اردبیل، ارومیه، مراغه، سلماس، اهر، مرند، ساوجبلاغ مکرری (مهاباد کنونی)، بندرعباس، شرف‌خانه (بندر شرف‌خانه از بنادر دریاچه ارومیه و از توابع شهرستان شبستر می‌باشد)، ساری، بارفوش (بابل کنونی)، اشرف (بهشهر کنونی)، رشت، بندر پهلوی (بندر انزلی)، لنگرود، رودسر و لاهیجان حاکی است که مردم با تعطیلی اماکن کسب، همانند روز عاشورا اقدام به عزاداری، اجتماع در مساجد و راهپیمایی کرده‌اند. در مناطق سنی‌نشین نیز، اهل سنت در اعتراض به اقدام وهابی‌ها در مجالس عزاداری شرکت کرده‌اند (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۳۶۸۸۳ و ۲۹۰۱۱۵۶ و ۲۹۱۲۱۹۳ و ۲۹۳۵۵۳۷).

حمله به دولت انگلیس

آقا سید جلال، رئیس پست‌خانه دولت، در مراسم عزاداری امروز (شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۰۴) مردم بندرعباس علیه اقدامات وهابیون در تخریب اماکن مقدسه مدینه، سخنانی برای حاضران ایراد کرد و ضمن محکوم کردن این اقدام، به دولت انگلیس حمله کرد، وی این دولت را در تحریک وهابیون، رساندن اسلحه و اقدام علیه اماکن مقدسه مسلمانان مؤثر توصیف نمود و تأکید کرد که همه مسلمانان باید علیه انگلیس قیام کنند (اسناد وزارت امور خارجه، ۴۵-۱-۳۰-۱۳۰۴).

قیام مردم هند

نماینده سیاسی ایران در هند با فرستادن نامه‌ای به وزارت امور خارجه، از اجتماعات مردم مسلمان در شهرهای لاهور، لکنهو، بمبئی و تینا خبر داد و نوشت: که

هیجان فوق العاده مردم ادامه دارد و محمدعلی [جناح] یکی از رهبران مسلمانان هند در سخنان خود در بین مردم لاهور گفته است که باید به جهاد قیام کرد ما از دولت انگلیس ابداً تقاضای مساعدتی نخواهیم کرد، بلکه فقط از دول اسلامی از قبیل ترکیه، ایران و افغانستان کمک و همراهی خواهیم خواست. نماینده سیاسی ایران افزود: نامه‌هایی از برخی تشکیلات به این نمایندگی رسیده و از مجلس شورای ملی در محکومیت اقدام وهابی‌ها تشکر شده است وی در پایان نوشت که اطلاعیه وزارت امور خارجه را به زبان‌های اردو، انگلیسی و فارسی در نشریات محلی درج کرده است (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۱۱-۱-۳۰-۱۳۰۴).

اجتماع ایرانیان مقیم تفلیس و عشق آباد

به گزارش ژنرال کنسولگری ایران در تفلیس، ایرانیان مقیم این شهر در اعتراض به توهین و تخریب وهابی‌ها به اماکن مقدسه مکه و مدینه، در مسجد شاه عباس اجتماع کردند؛ سپس افزوده است:

عقیده رسمی حکومت امروز این مملکت، این است که رفتار ابن سعود را آلت برای حمله به انگلیس قرار داده و او را مقصر کرده‌اند ولی تعلیمات این ژنرال قونسولگری به طور بی طرفانه و موافق امر وزارت جلیله، فقط ابن سعود را مؤسس این حرکات معرفی نموده است (همان، ۱۰-۱-۳۰-۱۳۰۴).

اجتماع کنندگان با امضاهاى خود نامه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی و رضاخان تنظیم کردند و آمادگی خود را برای کندن ریشه وهابیان از سرزمین حجاز اعلام کردند. (همان، ۹/۲ و ۹/۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

گزارش بیشتر از تهاجم وهابی‌ها به مدینه

جیب الله هویدا، ژنرال کنسول ایران در شام، در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۱۵ ق با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه نوشت که خبرهای رسیده از منابع گوناگون، حکایت از تهاجم وهابی‌ها به مدینه منوره دارد. در این حمله ضریح حضرت حمزه را که خارج قلعه

است خراب و منهدم کرده‌اند ولی چون مدینه دارای قلعه بسیار محکمی است و استحکامش زیاد، قشون ساخلو آنجا دفاع دلیرانه کرده، وهابی‌ها را عقب نشانده‌اند. قبه مبارکه ضریح حضرت ختمی مرتبت از گلوله‌های وهابی‌ها آسیب زیاد برداشته است. شهر مدینه هنوز در محاصره است ولی تصور نمی‌رود که وهابی‌ها بتوانند آنجا را بگیرند.

هویدا در ادامه این نامه آورده است که این اقدام لطمه شدیدی به وهابی‌ها وارد کرده، همه مسلمانان جهان را علیه خود برانگیخته‌اند. در تمام شهرها بر منابر لعنت می‌گویند وی افزود که ابن سعود می‌خواهد با تکذیب موضوع، آب رفته را به جوی بازگرداند اما کار از کار گذشته است.

تجمع ایرانیان مقیم بادکوبه علیه وهابی‌ها

به گزارش اسدالله یمین اسفندیاری، ژنرال کنسول ایران در بادکوبه، ایرانیان مقیم این شهر روز ۱۵ شهریور ۱۳۰۴ ش در مسجد اجتماع و از اقدامات وهابیون در تخریب اماکن مقدسه مدینه ابراز تنفر کردند، آنها گفتند اگر دولت ایران اجازه دهد حاضریم جان خود را در راه مذهب فدا کنیم.

... یمین اسفندیاری افزود: با اینکه روزنامه‌ها توسط دولت شوروی سانسور می‌شوند و تماماً مطیع اوامر حزب کمونیست هستند و دولت هم با هر چه که بوی مذهب می‌دهد مخالف است، اما توانست اطلاعاتیه وزارت امور خارجه را در روزنامه‌های روسی و ترکی به چاپ رساند (اسناد وزارت امور خارجه، ۹۵ و ۹۴-۱-۳۰-۱۳۰۴).

نیرنگ سعودی‌ها در تکذیب خبر

کمیته خلافت مجلس عالی مسلمین بیت المقدس و فلسطین، خبر بمباران را تکذیب کرده‌اند، در تلگرامی که در همین رابطه به وزیر امور خارجه ایران رسیده

۱. (اسناد وزارت خارجه ۱۷۶-۱-۳۰-۱۳۰۴) در گزارش‌های بعدی نقش حبیب‌الله هویدا (عین الملک) که بهایی و بهایی‌زاده است را در کمرنگ جلوه‌دادن این تخریب‌ها بیان خواهیم کرد.

آمده است که ابنسعود این خبر را توسط نماینده خود در مصر تکذیب کرده و گفته است: «کلیه قضیه اختراع دشمنان است که می خواهند کارکنان مسلم را بی اعتبار ساخته مابین اخوان اسلامی اختلاف عقیده تولید نمایند» (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۸۲-۱-۳۰-۱۳۰۴).

اظهار همدردی شرکت‌های خارجی

نمایندگان شرکت‌های خارجی مستقر در عراق (اراک) با ارسال تلگرامی به وزیر امور خارجه نوشتند که تأسف عمیق و اظهار تسلی به عالم اسلام خاصه نسبت به ملت نجیب ایران که در میان آنان به طور مودت زندگانی می کنیم ابراز می داریم (اسناد وزارت امور خارجه، ۳۲-۱-۳۰-۱۳۰۴).

تأثیر این اجتماعات در مردم شام

حبیب‌الله هویدا، ژنرال کنسول ایران در شام در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۱۹ق وزارت امور خارجه را مطلع کرد که اعلان دولت ایران را درباره محکوم کردن اقدام وهابی‌ها در مطبوعات شام، بیروت، طرابلس، حلب، اسکندرون و فلسطین درج کرده و اثرات نیکویی بخشیده است، به طوری که عموم مسلمین این صفحات را، یک نوع شادی و امیدواری به غیرت و اسلامیت دولت علیه ایران تولید نمود که اکثر علما و تجار و جوانان مدارس شام به قونسولخانه برای تشکر آمدند و ایران را اولین و یگانه دولت اسلامی حاکم دین مبین دانستند. وی افزوده: قرار است فردا جمعه (۲۰ شهریور ۱۳۰۴ش)، گروه‌های مختلف مردم، در مساجد شام اجتماع کرده، علیه وهابیون اعتراض کنند و سپس دست به تظاهرات بزنند. اما از آنجا که جنگ بین فرانسه و دروزیان جریان دارد و شهرهای شام تحت حکومت نظامی است، بعید به نظر می‌رسد اجازه اجتماع و تظاهر داده شود، زیرا بیم دارند این مطلب را بهانه کرده بر علیه حکومت محلی که از آن ناراضی و متفر هستند اقداماتی به وقوع بپیوندد.

هویدا در بخش دیگری از تأثیرگذاری اقدام دولت ایران در محکومیت وهابی‌ها افزود: حتی مردم این منطقه تنفر خود را نسبت به دولت ترکیه هم آشکار کرده‌اند که در یک چنین وقتی که مدینه منوره و قبر مطهر مورد بمباران وهابی‌ها است، ترک‌ها

عوض اینکه به حمایت دین مبین، همچون ایرانیان قیام کنند، مشغول اجبار نمودن مردم به پوشیدن کلاه فرنگی هستند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۴۱-۱-۳۰-۱۳۰۴).

استمداد مردم مدینه

گروهی از اهالی مدینه در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۲۰ق با ارسال تلگرامی خطاب به احمد شاه و علما خبر دادند که در محاصره هستند و وهابی‌ها آب و نان را به روی آنان بسته‌اند، تاریخ دقیق رسیدن این تلگرام روشن نیست لیکن جعفر قلی خان بختیاری وزیر پست و تلگراف وقت در خاطرات خود می‌نویسد:

تلگراف را من خدمت اشرف (رضاخان) بردم، پس از ملاحظه فرمودند، تلگراف علما و شاه را مستقیم بفرستید. تلگراف شاه را خدمت ولیعهد و تلگراف علما را پیش آقای آقامیرزا محمد بهبهانی فرستادم (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۳۰۵).

نسخه‌ای از این تلگراف نیز به رئیس بلدیة و علمای نجف رفته بود که کنسول نجف آن را به وزارت امور خارجه فرستاد:

متن نامه مردم مدینه به این شرح است:

ما برادران شما ساکنین بهترین امکنه مقدسه محصور شده‌ایم. مدت یک ماه است در شهر پیغمبر اکرم، طایفه سرکش وهابی‌ها، آب و نان را بر ساکنین آن منع کرده‌اند و راه‌ها را قطع نموده‌اند، نزدیک است از گرسنگی و تشنگی بمیریم، از کارهای زشت این طایفه اینکه، قبر پیغمبر و اهل بیتش را هدف گلوله‌های خود قرار داده‌اند و نیز گلدسته (مأذنه) را به قسمی هدف گلوله قرار دادند که مؤذن به پایین آمدن مجبور گردید و خرابش نمودند. قبر حضرت سیدالشهداء حمزه عم اکرم پیغمبر را خراب کردند، چنانچه قبر ابن عباس را در طایف خراب کردند، اکتفا به این مطلب نکرده به ما نوشتند شما کفار و پرستندگان حمزه‌اید! از کارهای ناشایسته این طایفه، تعدی بر قبر پیغمبر و کشتن مجاورین بی‌گناه این بلده طیبه است و برای ما به هیچ وجه من الوجوه ممکن نیست که تسلیم این طایفه شویم اگر چه تماماً بمیریم.

آیا هتک حرمت این اماکن مقدسه و این اعمال ناشایسته، شما را به غضب در نمی آورد؟ با وجود مسلمانان در روی زمین، پس اگر به فوریت به یاری ما نشتابید در روز قیامت نزد خدا و پیغمبر عذرتان چیست؟ آیا می توانید تحمل نموده، آرام بنشینید بر کارهایی که این طایفه نسبت به ما اعمال می نمایند؟

ای مسلمانان بر شما واجب است با جان و مال خود ما را یاری نموده خلاصمان نمایید و برای هر یک از دول اسلامی پیشنهادی نموده مطلعشان سازید که این جنگ را خاتمه دهند و ما را آسوده نمایند.

جنگ در بین الحرمین میان دو طایفه از مسلمین. وهابی ها اهل حرمین را خطاب نموده که اگر کسی بعد از کلمه توحید شهادت به رسالت دهد، مشرک و کافر است و مردم را نیز به گفتن «لا اله الا الله مالک یوم الدین» [مجبور] نموده اند بدون زیاده و کم! چنانچه کسی کلمه ای بر آن بیافزاید مشرک و کافر است. وهابی ها اموال مسلمین را بدون حق، مباح دانسته و خانه های مسلمانان را تصرف نموده و مسلمین را بندگان خود قرار داده و انکار ضروریات دین اسلام را نموده اند، مردمانی که در تحت استیلا آنان اند مسلمان حقیقی و کسانی می باشند که از دین محمد دفاع می نمایند و پس یاری آن طایفه به هر مسلمانی واجب است!

ای اهل احسان و پرهیز کاری! آیا فراموش نموده اید آنچه را که اجداد این طایفه به خانه خدا و مدفن حضرت محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، زمانی که داخل خانه خدا شد چه صدمه ها رسید؟ ملخص آیه شریفه را به مردم می گفتند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ (توبه: ۲۸). قبه پیغمبر و اصحاب آن سرور را تیر باران نمودند آیا این اعمال کفر و گمراهی و بی حیایی نیست؟ پس بشتابید به نجات دادن ما از این سختی و تنگی. کارهای خود را به خدایی که به بندگان خود بینا است واگذار می کنیم (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۴-۱-۳۰-۱۳۰۴).

تلگرام مسلمانان باتوم (گرجستان)

یکصد و پنجاه تن از مسلمانان باتوم (شهری بندری در گرجستان) در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۲۰ ق با ارسال تلگرامی به مجلس شورای ملی و رضاخان، ضمن انزجار از

اقدام وهابی‌ها نوشتند که: «با چشم‌های اشکبار و دل‌های خونین جمعاً تعطیل عمومی کرده، در مسجد ایرانیان متحصن و نفرت خودمان را از این طایفه مردود و ملعون قویاً اظهار می‌داریم». در این تلگرام افزوده‌اند ما مسلمانان باتوم نیز با یک حالت بی‌صبری منتظر اوامر دولت اسلامی ایران هستیم (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

گزارشی از لندن

نادر آراسته نماینده سیاسی ایران در لندن، به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که تحقیقات خصوصی من حکایت از درستی بمباران و تخریب اماکن مقدسه مسلمانان در مکه و مدینه دارد. وی می‌افزاید:

این اقدام وهابی‌ها بیش از همه جا، مسلمانان هند را به هیجان آورده و تصور می‌کنم تکذیب موضوع توسط ابن سعود، برای اسکات هیجان مسلمانان بوده است. فعلاً این قضیه صدمه اخلاقی زیادی به سیاست ابن سعود در پیشرفت مقاصد طرفداران وهابی‌ها وارد کرده است (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۴۴ و ۱۴۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

نماینده ابن سعود در جنوب خلیج فارس

کارگزاری خلیج فارس به وزارت امور خارجه خبر داد که چندی پیش نماینده ابن سعود به دبی، شارجه و ابوظبی آمد تا مشایخ آنجا را به اتحاد با وهابی‌ها دعوت کند، مشایخ پاسخ صریحی ندادند و گفتند پس از مشورت به مقتضای تکلیف عمل خواهیم کرد. وی افزود: اخیراً بن صقر شیخ شارجه کلیه رؤسای عشایر را دعوت نموده، مجلس مشورتی تشکیل داده، محرمانه عهد و میثاقی بین خودشان بر علیه ابن سعود بسته‌اند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

اقدام مراجع نجف

آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و محمدحسن نائینی با ارسال تلگرامی خطاب به رئیس الازهر و مفتی مصر نوشتند که شهر مدینه که از شعائر اسلام است

و حفظ آن واجب، هدف گلوله قرار گرفته و اهالی آن در محاصره هستند. سپس افزوده‌اند:

ما به دولت و ملت ایران پیام فرستادیم و آنان با کمال هیجان و تأثر، نمایشات داده و احتجاج می‌نمایند و از مقام روحانی و دولت اسلامی معظم شما امیدواریم مشارکت برای دفع این حادثه فجیعه نموده باشید (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

امضای نامه چنین است: علمای مذهب الجعفری، ابوالحسن الموسوی الاصفهانی، محمدحسین النائینی و الله المستعان.

شرایط سخت‌تر می‌شود

روزنامه تایمز در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۵ خبری منتشر می‌کند مبنی بر اینکه مدینه توسط وهابی‌ها به تصرف در آمده است (اسناد وزارت امور خارجه، ۲۳-۱-۳۰-۱۳۰۴).

انگلیسی‌ها هم دست به کار شده، منابع آنها گزارش می‌کنند که دولت ایران با وجود تشکیل کمیته‌ای برای پیگیری عملیات وهابی‌ها در مدینه و مکه، اکنون گرایش [آنها] این است که به این باور دامن بزنند که گزارش‌ها نادرست بوده است (همان، Foe6242/82/34/23).

تجمع علمای نجف در مرقد مطهر

«ویس کنسول» ایران در نجف عصر روز پنج‌شنبه ۱۳۰۴/۶/۲۶ ش گزارش داد که همه علمای ایرانی و عرب، همراه طلاب علوم دینی در ایوان مطهر اجتماع کردند، جمعیت زیادی گرد هم آمده یک نفر بالای منبر رفته تلگرافاتی که از مدینه منوره این چند روزه رسیده بود را برای جمعیت می‌خواند و سپس مردم را به اتفاق و اتحاد مسلمین فرا خوانده، و متفرق می‌شوند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰۸-۱-۳۰-۱۳۰۴).

توطئه فرانسوی‌ها

حبيب الله هويدا ژنرال کنسول ايران در شام، با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه نوشت:

سقوط مدینه توسط وهابی‌ها، شایعه‌ای بود که دولت فرانسه با خبرگزاری «هاواس» وابسته به خودش راه انداخته بود، وی نوشت که حکومت فرانسه جراید بیروت را مجبور به چاپ این خبر کرد، اول اینکه خواستند اثرات اطلاعیه دولت ایران را در این منطقه، با تلقین این موضوع که با سقوط مدینه کار از کار گذشته است، خنثی کنند، چراکه این اطلاعیه موجب هیجان مردم شام شده بود و دیگر اینکه دولت فرانسه می‌خواست توان وهابی‌ها را به رخ بکشد و از این طریق آنان را ممنون خود کند چراکه اینک تعدادی از وهابی‌ها را برای نگهبانی از راه شام تا بغداد اجیر کرده است و سوم اینکه دولت فرانسه نسبت به شریف حسین کینه دارد و او و پسرانش را عامل شورش دروزی‌ها می‌داند؛ طایفه‌ای که هم اینک در حال جنگ با سربازان فرانسوی هستند (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۳۱۷).

اعزام نماینده برای بررسی اقدام وهابی‌ها

وزارت امور خارجه در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۳۱ در تلگرامی به غفارخان جلال السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، دستور داد برای بررسی اقدام وهابی‌ها در مکه و مدینه، همراه معتضد السلطنه و یک مترجم به سوی جدّه و مکه برود، در این تلگرام آمده است که چهار صد لیره انگلیسی برای این مأموریت توسط بانک شاهنشاهی ارسال شده است. نکته مهم در این تلگراف این است که می‌نویسد: دولت به هیچ وجه نمی‌خواهد داخل در مذاکرات و ساطت ما بین ابن سعود و امیرعلی بشوید، فقط مقصود از اعزام این هیأت برای اطلاع از وضعیت آنجاها و تحقیق در صحت و سقم اخبار راجع به تعرضات بر اماکن مشرفه که از آن جمله خرابی خانه و قبر خدیجه است می‌باشد در ملاقات با ابن سعود و امیرعلی اظهار نمایند که دولت ما را رسماً

به سمت هیأت تحقیقیه راجع به توهیناتی که منتشر شده است به اماکن متبرکه وارد آمده، مأمور نموده که مشهودات خودمان را به اطلاع دولت متبوعه خود برسانیم و به طور خصوصی در ضمن این بیانات اظهار عقیده نماییم که دولت ایران نهایت اهمیت را به حفظ اماکن مقدسه اسلامی می‌دهد و اگر انتشارات مقرون به حقیقت باشد برای جبران آن از بذل هرگونه جهد و نفوذی خودداری نخواهد کرد. به معتضد السلطنه هم تلگراف شد که با جنابعالی حرکت نماید، صورت مخارج را بفرستید اگر اضافه خرجی شده باشد، داده می‌شود، به عین الملک هم تلگراف شد به مدینه برود (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۵-۱-۳۰-۱۳۰۴).

انتقال قدرت در ایران

شرایط داخل کشور ایران بحرانی است، انگلیسی‌ها و عوامل آنها در پشت صحنه مشغول برنامه‌ریزی برای انتقال قدرت و پایان دادن به سلسله قاجاریه هستند، در تاریخ ۹ آبان ۱۳۰۴، با مقدمه چینی‌های قبلی، قاجاریان از سلطنت خلع گردیده و حکومت موقت را به رضاخان واگذار می‌کنند، مرحوم آیت الله مدرس با این اقدام مخالف است ولی مجلس با اکثریت به حکومت موقتی که رضاخان رئیس آن است رأی می‌دهد. مدرس صحن مجلس را ترک کرده و در حال خروج می‌گوید: صد هزار رأی هم بدهید خلاف قانون است (مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۲، ص ۲۰۵).

رضاخان زمانی در سفارت انگلیس در تهران مأمور بود و بعد به مقام ریاست وزرایی و وزارت جنگ ارتقاء یافت و خویش را شاه اعلام کرد (اسناد وزارت امور خارجه، ۳ و ۲-۲۴-۶۴-۱۳۰۴) ژنرال «آیرونساید» به نوشته روزنامه «وست مینستر گازت» چاپ لندن که فرماندهی قوای انگلیس در شمال غربی ایران را بر عهده داشت، نقش اساسی در روی کار آوردن رضاخان ایفا نمود (همان، ص ۸۰).

شرایط مطرح شده از یکسو و ضعف دولت عثمانی و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، موضوع حمله وهابیان به مدینه و جنایات آنان را تا حدودی به حاشیه راند لیکن در

تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۰۴ آیت‌الله سیدحسن مدرس در نطق پیش از دستور خود در مجلس با اشاره به اخباری که در برخی روزنامه‌های ایران مبنی بر اشغال مدینه توسط وهابیان درج شده بار دیگر موضوع بقیع را احیاء و چنین می‌گوید:

چند ماه پیش با درج چنین خبری، بنا به وظیفه سیاسی و دیانتی حرکتی شروع شد، یک روز تعطیل عمومی گردید قرار شد نمایندگان وزارت خارجه راهی نجد شوند و اخبار درست را بیاورند، اما این بار که این خبر درج شد و حتی نوشته شد که وهابی‌ها با دولتی بزرگ هم قراردادهایی منعقد کرده‌اند جز سکوت و خمودگی چیزی مشاهده نشد، کدام درست است؟ ایشان در ادامه به تاریخ ظهور وهابیان اشاره و می‌گوید: اهالی [مکه و مدینه] باید بدانند که ما خاموش نشده‌ایم و لازم است که در این مجلس بنده از جانب خودم و از جانب تمام آقایان و ملت ایران از این پیش آمد اظهار تنفر کنیم و عرض کنم که ما نباید در مقابل این وقایع و حوادث خاموش و خمود باشیم، بلکه باید به اندازه استعداد و قوه خودمان مراقب و مواظب باشیم، پس این خمودت و سکوت تقصیر کیست؟ تقصیر من است؟ نه.

محتسب فتنه در این شهر زمن داند و من لیک من این همه از چشم شما می‌بینم

(روزنامه ایران، سال دهم، شماره ۱۹۷۵، ص ۱)

انتقال قدرت به رضاخان

در روز شنبه ۱۳۰۴/۹/۲۱ ش در مجلس مؤسسان سلطنت رسماً به رضاخان منتقل می‌شود و انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و همفکرانشان که صحنه‌گردانان این انتقال بودند بلافاصله آن‌را به رسمیت می‌شناسند (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۴۸۶).

تغییر حکومت در ایران و تحولات حجاز و سلطه وهابیون از یک سو موجب می‌شود تا دولت وقت از رفتن به حج ایرانیان جلوگیری کند (روزنامه ایران، سال دهم، شماره ۲۰۴۴، ص ۲). و از سوی دیگر پیگیری موضوع توسط عالمان و مردم ایران کم‌رنگ شده و خبر مهمی در جراید منتشر نمی‌گردد.

درخواست ابن سعود از ایران

در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۲۰ عبدالعزیز بن سعود که خود را پادشاه حجاز و سلطان نجد و ملحقات آن نامیده، نامه‌ای به کفیل کنسولگری دولت ایران در جدّه فرستاده و از او می‌خواهد سریعاً مطالب آن را به دولت ایران منتقل کند، محتوای نامه این است که: تمامی حجاز به فضل الهی در امنیت کامل است و مردم در انجام مناسک دینی از جمله زیارت مسجد رسول الله ﷺ آزاد هستند و ما راحتی و امنیت حجاج را تضمین می‌کنیم و آنچه دشمنان منعکس می‌کنند که کشور ما دارای امنیت نیست صحت ندارد آنها هدفشان تعطیل شاعر اسلامی است و... متن نامه پیوست است.

تلاش سعودی‌ها برای ایجاد روابط با ایران

سعودی‌ها تلاش می‌کنند تا از اهرم حج برای ایجاد و بهبود روابط دو کشور



استفاده کند در این زمینه سفیر ایران در مصر روز چهارشنبه ۱۳۰۵/۱/۱۰، گزارشی به تهران ارسال و در آن تبعات منع صدور پاسپورت برای حجاج [ایرانی] از جانب وهابی‌ها را بررسی کرده چنین می‌نویسد: «از دوستان ابن سعود پیش بنده آمده خواستند اقدامات نمایم که دولت از این تصمیم بگذرد و دفاع از ابن سعود بکند. بنده به دلایلی مجابشان کردم که ابن سعود و همراهانش

حق گله از دولت ایران ندارند. ایران آنچه در قوه داشت در کنار آمدن با ابن سعود کرد.

او سپس افزوده بود که برای برقراری روابط دوستانه بین دو دولت علیه خود او یک ماه در بیابان‌های حجاز در آن گرما زندگی کردم ولی ابن سعود به هیچ یک از تعهدات کتبی اش به دولت ایران و سایرین عمل نکرد. و حتی عذری هم در عدم ایفای به قول خود نخواست بیاورد. با وجود این باز آنچه در قوه دارم در ایجاد روابط حسنه خواهم کوشید. سپس به علمای نزدیک به ابن سعود

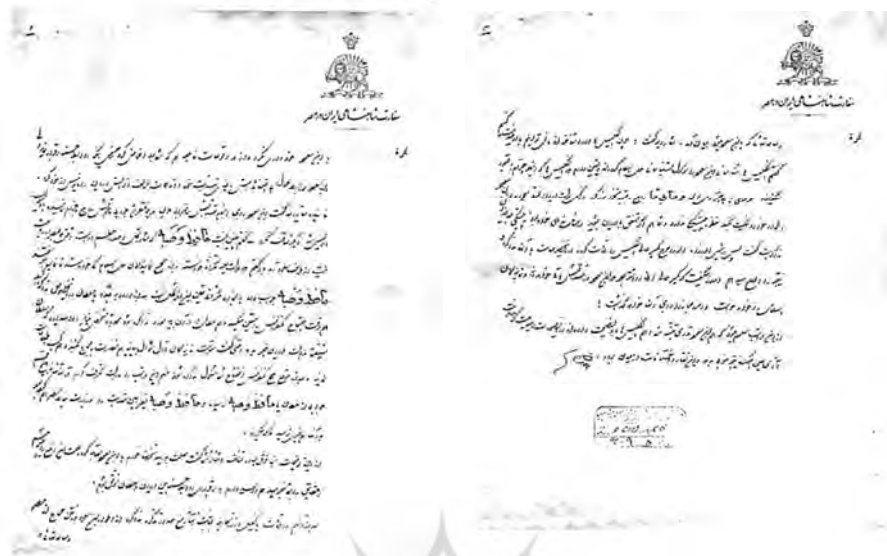


گفت: خوب است شما هم ابن سعود را قدری نصیحت و راهنمایی کنید که در اطوارش قدری تغییر بدهد تا مساعی من هم بی ثمر نماند و روابط حسنه با ایران برقرار شود [دوستان ابن سعود] تعهد کردند که نصیحت‌های لازم را کتباً به او بدهند (سازمان اسناد ملی ایران: ۳۱۰۰۰۱۳۱۸-۸).



ملاقات

واکنش‌ها به تخریب بنگاه نفتی



منابع

۱. آرشیو اسناد سازمان اسناد ملی ایران.
۲. آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳. آرشیو اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه
۴. آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۵. روزنامه تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۹۰
۶. روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۰
۷. روزنامه قانون، سال چهارم.
۸. ترکمان، محمد، مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷

فصلنامه علمی - ترویجی / شماره ۱۱۲ / تابستان ۱۳۹۹